



سریع تعالیه

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ریگی از روی زمین برداریم ،
و زن بودن را احساس کنیم

"وزن بودن" را با "همیشه بودن" احساس کنیم ، چراکه در آستانه‌ی پایان ششماين جشنواره سراسری تئاترفجر ایستاده‌ایم . باراهی شدن تصور نکنیم که همه چیزتام شدو تا سالی دیگر و نشست‌های دیگر ، فرصت‌بی پایان است ... برای بهتر کار کردن ، همیشه زمان تنگ است ، بی بازگشت است ... برای با هم بودن و مهربان بودن و رعایت یکدیگر را کردن هم ، روزگار مجال بسیاری در اختیار مانگذاشته است ...

از یکدیگر آموختیم ، با یکدیگر کار کردیم ، برای یکدیگر بصحنه بردم ، و این هرسه خیابان درازی را پیش روی ما به تماشا می‌گذارده اگر بارها و بارها و در سراسر زندگی‌مان از آن عبور نکنیم از - دیدن و باز دیدن رهگذرانش ، آواز خوانانش ، تلاشگرانش و ... ملول نمی‌شویم .

در این خیابان دراز هر بار مداد ، یکدیگر را خواهیم دید و سلام خواهیم گفت ، پیام خواهیم داد و انتظار خواهیم داشت .

روزهای آینده از آن ماست آینده را با همه امیدها و تلاشها یش دویا بیم که سپیده در آنست که طلوع با آنست .

والسلام



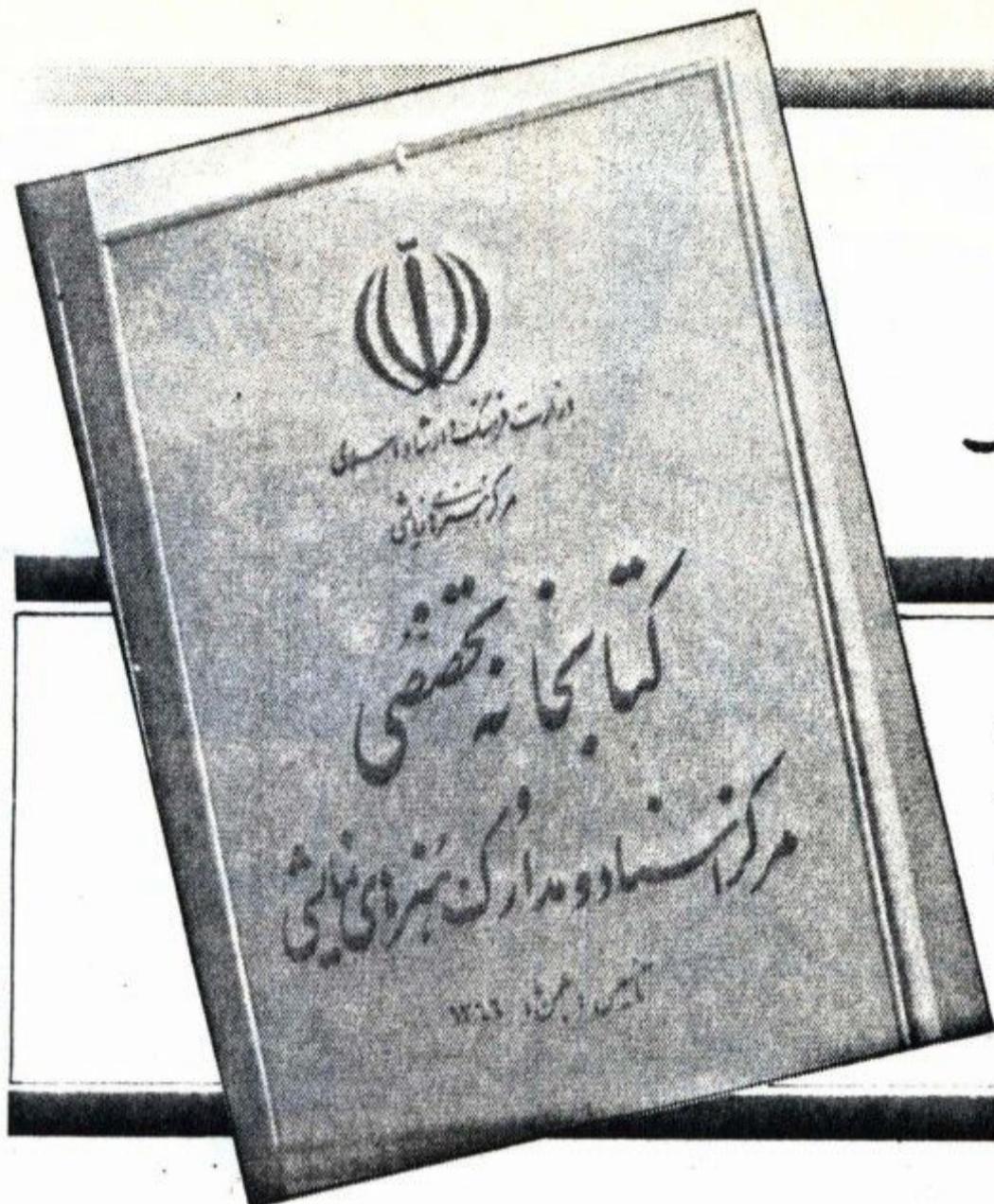
شماره

۹

بِسْمِ اللّٰہِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
ششماين جشنواره سراسری تئاترفجر
بهمن

انتشارات روابط عمومی ستاد
برگزاری ششماين جشنواره سراسری تئاترفجر
واوه

افتتاح کتابخانه هنرمندان



کتابخانه دارای ۴۱۰۰ جلد کتاب،
صفحه پوسترو بروشور و اسناد و مدارک
دیگر در ارتباط با تئاتر و هنرهاي
نمایشی است

روز دوشنبه ۱۹ بهمن ماه، روز فرهنگ و معنویت،	کتابهای نمایشی به زبان خارجی (عموماً انگلیسی)
۳۵۰ جلد	روز ویژه‌ای برای هنرمندان و علاقمندان تئاتر
۴۰۰ جلد	بود. حجت الاسلام والملمین "دکتر سید محمد خاتمی"
۴۷۰ جلد	وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی مراسمی کتابخانه
۸۰ جلد	نمایشی و مرکز اسناد و مدارک هنرهاي نمایشی را
۰۰۰ جلد	تحصیل و افتتاح کرد.
۴۰۰ جلد	در ابتدا سرپرست مرکز هنرهاي نمایشی سخنرانی
۳۵۰ جلد	ایرا دکرده طی آن ضمن تبریک ایام مبارک دهه فجر
۱۱۲۰ متن های نمایشی آرشیو شده (شامل ۱۸۰۰ نسخه)	و روز فرهنگ و معنویت، گزارشی از جگونگی شکل
۲۰۰ نسخه متن ایرانی و ۷۰۰ نسخه متن خارجی).	گیری کتابخانه، کتابهای موجود در کتابخانه و
- بروشور و پوستر ۲۰۰ نمایشی م به صفحه رفته در تئاتر شهر	خدماتی که به هنرمندان و علاقمندان ارائه خواهد داد
- بروشور و پوستر ۲۰۰ نمایشی م به صفحه رفته در تالارهای نمایشی دیگر	را تشریح کرد.
- ۱۵ ازونکن بریده جرايد موجود است که می‌توانند مورد استفاده و مراجعه محققان قرار گیرد؛ آرشیوی از مجلات نمایش و ویژه‌نا مهای جشنواره و نشریات هنری.	سرپرست مرکز هنرهاي نمایشی در سخنان خود گفت:
کارتھای نمایشی سازی برای اجراءها و هنرمندان تئاتر.	نیاز به چنین مرکزو آرشیوی از مدت‌ها قبل احساس می‌شدو همکاران ما این کتابخانه را با ۴۱۰۰ جلد کتاب تعداد زیادی پوستر بروشور و مجلات مختلف آ ماده کردند. آ ما موجودی کتابخانه این مرکز به شرح زیر می‌باشد:

کتابهای نمایشی (اعماق ایرانی و خارجی و ترجمه شده ۱۲۰۰ جلد)



فعلى را در طبقه سوم تئاتر شهر انتخاب کردند و به همت آقایان ذوالفقاری، خلچ، مومنی، مهندس زعیمی و... و کارهای اداری و خدمات به شکل کتابخانه درآمد. کتابخانه از امروز در اختیار مردم کنندگان است. ضمناً کسانی که اسناد و مدارک یا کتابهایی در ارتباط با تئاتر در اختیار داشته باشند می‌توانند به کتابخانه اهدای کنند تا مورد استفاده محققان، هنرمندان و - علاقمندان قرار گیرد.

سرپرست مرکزهای نمایشی در ادامه افزوود:
ترتیبی داده شده تا کتابهای درخواستی هنرمندان و علاقمندان شهرستانی با پست برای آنان فرستاده شود و آنها نیز استفاده لازم را از کتابخانه ببرند. همچنین از فضای مقابله کتابخانه نیز در اوقات مناسب سال بعنوان محل کتابخوانی استفاده خواهد شد.

سرپرست مرکزهای نمایشی در پایان گفت: یک کار تحقیقی در دست تهیه است که تئاترده ساله بعد از انقلاب اسلامی در آن مورد بررسی قرار گرفته و امیدواریم سال آینده هم زمان با دهمین سال پیروزی انقلاب در دهدۀ فجر منتشر شود.

پس از سخنان سرپرست مرکزهای نمایشی، قسمت‌های مختلف کتابخانه موردهای دیده‌جات اسلام والمسنون "دکتر سید محمد خاتمی" وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار ما، محل کتابخانه تخصصی تئاتر تا قبل از این بعنوان انبار و کتابخانه می‌باشد. سالن تمرین محلی بی مصرف بود که هیچ استفاده مفیدی از آن نمی‌شد.

با حتمی شدن تشکیل کتابخانه، کارشناسان مرکز بررسی وضعیت چند ساختمان پرداختند و نهایتاً محل





گامی بسوی اعلامی تئاتر کودکان و نوجوانان

دادکلیانیان

که آرزومندیم روزبروز بهنورش افزوده گردد. یکی از خواص این گردهما بی هنری، تاتری میتواند این باشد که برای آن سوال مطرح شده، پاسخ مناسبی یافت، و از آنجاکه تحقیق و تفحص در این بخش جزء مقوله تراست، میتواند بطور کلی تئاتر را مفید ساخته و اگرنه راهگشا، بلکه طرح کمرنگی در این مسیر، وای کاش در کنار این جشنواره ویا بعد از آن گردهما بی هنری به این منظور تشکیل گردد، آنهمه منطقه ای، بلکه، با حضور کلیه افراد صاحب نظر و با تجربه، حال چه شهرستانی و چه غیر شهرستانی.

عوامل عمدۀ بی را که در این راستامی توان برشمرد، می شود به دو دسته تقسیم کرد: نخست عوامل بازدارنده، و دیگری عواملی که در رشد آن ضروریست. ویا بهتر است گفته شود، عواملی که دور رویه دارد، وجودیا عدم شان در صعود و سقوط این مقوله موثر است. طبیعت است که در این یادداشت فقط عوامل "عنوان" شوندene بیشتر. چون نهاین خبرنا مدجا یگاه آن دارد و نه میتوان از آن سرسی گذشت. چون عوامل پیچیده ایست که تجربه و تحقیق میطلبد، چون مسائل متنوعی - ست که تجزیه و تحلیل و نظرات متنوع میطلبد، و امیدا ینکه این چند سطر فتح بابی باشد که صاحب نظران را به میدان کشتد تا با استفاده از - جمع بندی نظرات آنان به مقصدنزدیکتر شویم.

۱- مسئله شناخت

الف- شناخت فنی و هنری

ب- شناخت اجتماعی

مسئله شناخت از اهم مسائلی است که عدم شدیداً "به چشم می آید، و همین عدم توجه به این مسئله ای اساسی تابه آن جا می رسد که گاه "نمایش"

کنخانیدن نمایش کودکان و نوجوانان در ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر، آنهم در بخش مسابقه نقطه ای میدبخشی است برای این گروه وسیع که بیشک چشم انداز تا تحرفه ای وغیر حرفة ای این مرزو بومند.

شاید بشود گفت که سازمان عه مبدأ؛ این "مید به حساب می آید، چرا که امسال نیز شاهد برپائی جشنواره تئاتر کودکان و نوجوانان آموزش و پرورش هم بودیم.

دست اندکاران باید توجه داشته باشند که امیدهای فراوانی به این جشنواره ها بسته شده است و توفیق شان را آرزو میکنند و متاسفند که بعد از چهارین سال تجربه در این زمینه آنهم بعد از انقلاب با اختتا میهیک جشنواره کودکان و نوجوانان روبرو شوند، آنهم برای همیشه منظور جشنواره (یادواره) ۱۷ شهریور است که دیگریکی دو سال است شاهد برپائی اش نیستیم. سوالی که مرتب برای دست اندکاران و به ویژه شرکت کنندگان در این جشنواره ها مطرح است، اینست که، تئاتر کودکان و نوجوانان بطور خاص و تئاتر بطور عام چگونه میتواند به سوی اعتلاء گام بردارد؟

پس بی مناسبت نیست حداقل تیتر گونه هم که شده اشاره ای به آن داشته باشیم. داشتن تئاتر کودکان و نوجوانان آنهم در خورانقلاب فرهنگی با توجه به اینکه در این مقطع تئاتر (بیشتر از نوع حرفة ای آن) در مقابل سینما زیرسئوال رفته است، ظاهراً از آرزو های دست نیافتنی حکایت میکند. اما فی الواقع اینطور نیست، و همین وجود این بخش در جشنواره خود نقطه روشنی است

تصویر و پوپوش

غذای ظهر دوشنبه ۱۹/۱۱/۶۶ - بسیاری از عزیزان هنرمندو مسئولین و مدعوین را که میل نموده بودند، راهی بیمارستان و تخت استراحت کرد و شرمندگی آن برای ماماندکه دل به عشق راحتی شما سپرده بودیم.

تعداد زیاد میهمانان امسال در جشنواره و کمبود هتل و مکان باعث شده بعضی از اتفاقها از تخته به چند تخت تغییر کنندگه این نیز در کارنامه تلاش‌های مسئولین جشنواره نکته‌ای بود تا در سال آینده بهتر برنا مهربانی شود.

تقاضای بیش از انتظار هنرمندان . مسئولین نهادها ، ارگانها ، سازمانها ، وزارت خانه‌ها ، مدارس ، همکاران و ... در مورد کارت‌های دعوت و فروش بلیط باعث شده سالنهای نمایش با ازدحام رو بروباشد و در بعضی موارد مشکلاتی پدید آید که امیدواریم این مورد نیز در هفتمین جشنواره مرتفع گردد.

یک گروه تئاتر از برادران حزب الله کشور لبنان که با همکاری سپاه پاسداران انقلاب - اسلامی در تهران حضور دارند، فردا نمایش "شفق" نوشتۀ مهدی صادق بکار گردانی ناصر سویس‌دان را در سالن چهار سوتا ترشیه به صحنۀ می‌برند. قصه نمایش شفق در مورد مقاومت مردم جنوب لبنان می‌باشد .

رابه "ضد نمایش" بدل میکند. و متاسفانه این وجه غالب افراد شرکت کننده است و کاربها بینجا ختم نمی‌شود. خود آموزی‌های غلط ، گاه آنها را در مقابل قلیل افراد با فرهنگ دست اندک کار قرار میدهد که به جد از آگاهی‌های بی راه و شبکه - ناک خود دفاع کنند. یعنی بجای اینکه آموزش صحیح ببینند، آموزش غلط میدهند.

۲ - برنامه ریزی

الف - توجه به برنامه‌های مقطعی و عدم

توجه به برنامه‌های درازمدت

ب - توجه به کمیت‌ها ، نه کیفیت‌ها (ویا هردو)

ج - تاثیر به عنوان یک عامل فرعی

د - همکاری و همیاری و هم‌آهنگی: یعنی "وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرکز هنرهای نمایش)"

وزارت آموزش و پرورش (امور تربیتی)

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

و هلال احمر (کانون پرورش اسلامی)

ه - بودجه

۳ - توجه به اهمیت کار کودکان و نوجوانان و کار با کودکان و نوجوانان

الف - کودکان و نوجوانان به عنوان زیر بنای آینده تئاتر غیر حرفه‌ای و حرفه‌ای.

ب - کودکان و نوجوانان به عنوان یک کمیت وسیع میلیونی

ج - تئاتر به عنوان یک وسیله موثر در امر پرورش در راستای انقلاب فرهنگی

د - پرورش مربی

نگارنده اقرار دارد که عنوان‌های مذکور نه جامع است و نه مانع ، بلکه در یک ارزیابی شتابزده طرح کمنگی ست از آن روح زندگی که باید در کالبدتئاتر بطور اعم و در نوزاد آن بطور اخص دمیده شود.

به انتظار دم گرم شماتا این "مقدمه" را بقول بعضی نمایش نامنویسان به "متن" رسانید و مشتاقان نمایش شاهد" اوج "آن باشد و "نتیجه" اعتلای "نمایش کودکان و نوجوانان انشاء الله

لطفو با؛ علیرضا عیسی پور

کارگویان نمایش «سرچ که آهو»

از سال ۱۳۵۳ با تاثر آشنا شدم بجز بازیگرد در تئاتر و فیلم ۱۰ نمایش نوشتم که دو متن در سالهای ۵۵ و ۵۶ عنوان منتخب جشنواره تا تر شهرستان داشتند و ۸ متن نمایش نامه را کارگردانی نمودم و بعد از انقلاب اولین حضورم در جشنواره سراسری تا ترف جرمی باشد.

س - مشکلات تا تر در شهرستان شما چیست؟

ج - مشکل عمومی همه گروهها مثل کمبود جا و مکان تمرین واجرا، تاخیر در تائید متنون ارسالی جهت اجراء، بیتفاوتی و بهانه دادن مسئولین - و بهتر بگوییم عدم احساس مسئولیت به امر تا تر.

س - از نمایش خودتان بگوئید؟

ج - با توجه به متن نمایش نامه کمبودهای

لطفو با؛ علیرضا عاروریانی

نویسنده نمایش «سرچ که آهو»

علیرضا عاروریانی هستم از سال ۵۴ تا ترا در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کردم.

س - شما هم حتما "در شهرستان مشکلاتی دارید آنها را بفرمایید؟

ج - مشکلات تا تر شهرستان همان کلیشه همیشگی است که دیگران گفته اند و میگویند: نبود سالن مناسب - کمبود حماپت های معنوی و مادی از سوی دست اندکاران - در دسترس نبودن متون خوب نمایشی که خود عامل مهمی در رکود ارائه آثار نمایشی است و چه وچه وچه ...

و معضلات اجتماعی جا معرفه فعلی را با زبان ساده سمبولیک نشان دهم و تمام کوشش این بود که ضمن پرهیز از هیجانات کاذب برای بچه ها حرفي برای بزرگان هم داشته باشم.

س - جشنواره را چگونه می بینید؟

ج - ششمین جشنواره سراسری علی رغم بسیاری موضعی در اوایل دهه که لابد بعلت فشردگی کارها بوده که این امر در بخش کودکان کاملاً مشهود بوده، بهترین تریبونی است که هنرمندان شهرستانی ارتباطی مستقیم با سایر گروههای شهرستانی داشته و نشان دادن قابلیت های این بردن به نکات ضعف خود که در طول سال از آن محرومند.

س - پیشنهادتان برای رشد هنر در شهرستانها چیست؟

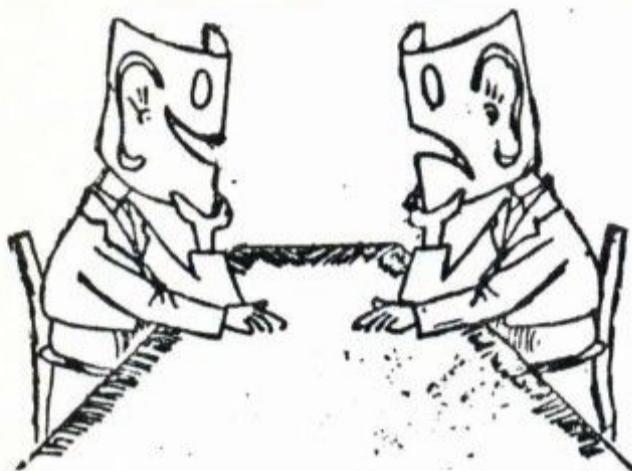
ج - ایجاد کلاس های آموزشی و اعزام کارشناس ها جهت رشد و پویایی هنرها و شکوفانشده شهرستانها و در نهایت تشکیل وجود آوردن انجمن های تا تری زیر پوشش ارشاد.

س - نمایش را برچه اساسی نوشته اید؟

ج - سعی کردم با زبانی ساده و ملموس مفاهیمی ابتدایی از زندگی را به کودکان بیا موزم و در این راستا از ایجاد هیجانات کاذب و عواملی که همچون مسکن عمل می کنند پرهیز کردم و معتقدم که نباید کودکان را در حبابی از ندادانی و کم دانی محصور کرد - کارویزه کودکان بیهده نوع تحرك و هیجان توأم با تعمق و تأمل نیازمند است که خود نیاز به روان شناختی وسیعی دارد که امیدوارم بتوانم بیش از پیش در این زمینه بیا موزم.

س - از جشنواره تا تربگوئید؟

ج - برگزاری جشنواره بعنوان یک رخداد هنری مهم و یک ضرورت درجهت پویایی افکار و آثار نواز ملزمات است، بشرطی که جشنواره را به محلی برای تبادل اندیشه ها و آثار بدبیع و محیطی برای آموزش و آموختن در جوی سالم و دوستانه بدانیم.



پایی صحبت فرشیدتمری

نویسنده و کارگردان نمایش «مامی‌نلام»

با زیکریشان میباشدواین بجهه‌ها با این استعدادها و با این عشق و علاقه تنها دو تکیه‌گاه برای شکوفایی میخواهند، یک - مربی دلسروز - دو - ارزش‌نها دن مسئولین به کارها یشان . س - چندسال است کارتئاترمیکنید و انتظار تان از مسئولین تا ترجیست ؟

ج - من ده‌الی یازده‌سال کارنما یش میکنم البته نه بصورت مدام و آموزش تا ترکلا "در شهر من چه درسا بق و چه حال کاملاً" صفر است و حتی زیر صفر، زیر صفر به این دلیل که حتی منابع اطلاعات نمایشی در شهرمان نیز وجود ندارد.

اطلاعات نمایشی من گذشته از شرکت در کلاس‌های جسته‌گریخته‌ای که در مرکز استان و تهران بصورت خیلی کلی برگزار می‌شود مختص به منابع اطلاعاتی من در زمینه کسب آموزش تا ترمیباشد. تخصص کاری من مختص به یک مورد نیست جون خودم هم بتویسنده هستم هم کارگردان و هم بازیگر ولی نویسنده را برای خودم بهتر میدانم . انتظار من از مسئولین تا ترکشور همان است که در ابتداء هم عرض کردم ، بودجه و امکانات مقدمه هر کاری است . منتهی سرما یه گذاشت هنری در قالب گذاشت کلاس‌های آموزشی، تاسیس یک کتابخانه مستقل که بتواند منبعی (حالا هر چقدر کوچک) برای کسب اطلاعات هنری بجهه‌ها باشد تو تاسیس یک خانه تا ترتحت پوشش و حمایت وزارت کل ارشاد . این مسئله خانه تا ترمیله بسیار مهم و ارزشمندی برای رشد و شکوفایی استعدادهای بجهه‌های خوب قوچان خواهد بود .

س - از خودتان بگوئید ؟

ج - فرشیدتمری هستم نویسنده و کارگردان - نمایش "مامی‌نلام" از مرکز پژوهش اسلامی جوانان هلال احمر شهرستان قوچان در جشنواره شرکت کرده‌ام .

س - نظرتان در مردادرزشیابی کارها چیست ؟
ج - ارزشیابی ها خوب بودا ما متسافانه بعضی اعمال نظرها (به نظر من) این ارزشیابی ها را خراب می‌کرد البته منظورم از اعمال نظر یکسری کارهای اداری در زمینه انتخاب متن و پذیرش آنها .

س - در شهر تا چه مشکلاتی در زمینه ترا در اید ؟
ج - مشکلات در زمینه کارت تردد شهر مثلاً همه شهرهای کشور ریا دارد، از مسئله کمبود بودجه، کمی امکانات، نبود مطلق سالن نمایش، نداشتن پایگاه هنری در مردم بدليل نداشتن تبلیغ صحیح مسئولین امر دراین زمینه که بگذریم مسئله عدم ارزش گذاری مسئولین ارشادیکی از مشکلات در زمینه ترا شهر ما می‌باشد، شما در نظر بگیرید با تمامی این مسائل کمبود بودجه و امکانات و سالن نمایش وغیره وغیره برای ما تنها چیزی که باعث دلگرمی، برای تعطیل نکردن کار می‌شود اینست که حس کنیم حداقل مسئولین برای این زحمات مادل می - سوزانند .

س - از گروه نمایش بگوئید ؟
ج - این گروهی که امسال در جشنواره سراسری تا تر فجر شرکت می‌کنند برای اولین بار در مدت زندگی‌شان بر روی صحنه می‌روند و لین تجربه



داستان به آرامی آغاز می‌شود اما هر چه بده پایان
آن نزدیکتر می‌شود ترازدی هم اوج می‌گیرد. نمایش
اصلی که استحقاق جایزه ویژه را دارد.

نگاهی به نمایش و شناخت مسابقه

"پشت درهای بسته" جای هر کسی می‌تواند باشد.

نمایش با آهنگی که خبر از ماجراهای ترازدکه میدهد تماشاگر را به هول والتها بی هراس انگیز میرساند. گروه زیادی در حالی که در راه پایه باریکی که به یک سردا به منتهی می‌شود تجمع کرده اند فریاد می‌زنند.

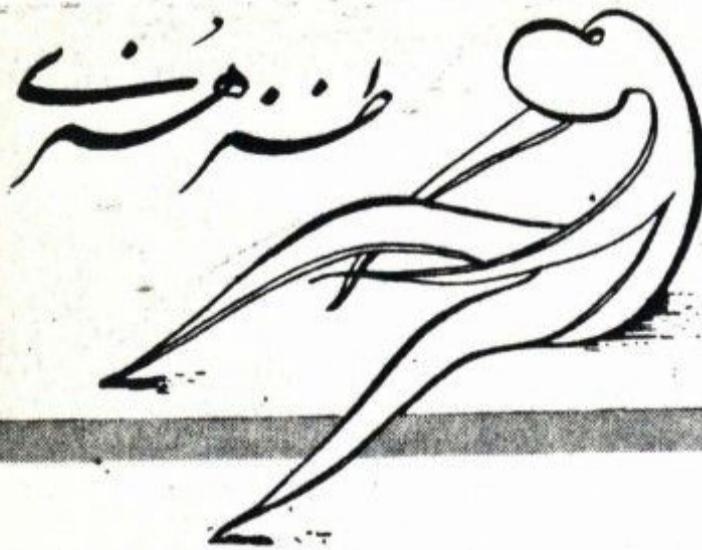
- در را باز کنید ما بلیط داریم
- آقاماکارت مخصوص داریم
- سالن جاندار دب فرمائید بلیط را پس بدھیم
- پول تان را بگیرید.

- من با دو تابچه از ساعت سه در سرما بوده ام حالا در را باز نمی کنید.

- ورود بچه ها ممنوع است خانم هول ندهید آقا ... کجا میر وید خانم
می بینید که راه نیست

- بفرمائید آقا یان و خانمها والا زبالامی آیند یکی یکی شمارا بیرون می کنند
- شما که حاندار بید چرا بلیط فروخته اید؟

در میان نمایش های جشنواره امسال یک نمایش در بخش ویژه مسابقه حایگاهی خاص داشت. داستان غم انگیزان که بیشتر به یک ترازدی با بازیهای طبیعی و هنر پیشگانی که فقط یک نفر آنها دوره دیده داشکده هنر است، تحسین تمام تماشاگران و علاقمندان را برانگیخت. نمایش در عین تحرکی که از ابتداء تا انتهای آن به چشم می خورد بآرامی آغاز می شود. بازیگران همه با خوشحالی به گفتگو با یکدیگر مشغولند. مردی که در اتفاق کی کوچکی نشسته پول می گیرد تو که کاغذی را به دیگران تحويل میدهد. این قسمت از داستان تا شروع نمایشی که در داخل نمایش اصلی وجود دارد، ادامه پیدا می کند. هنر پیشگان با تحمل سرما لک پشت وار صف را دنبال می کنند و به تدریج به مردی که از پشت شیشه پول می گیرد نزدیک می شوند. با خارج شدن مرد از درون اتفاق آنها بی که دست پراز صفحه خارج شده اند، شادی به سوی سالن میروند. از این لحظه

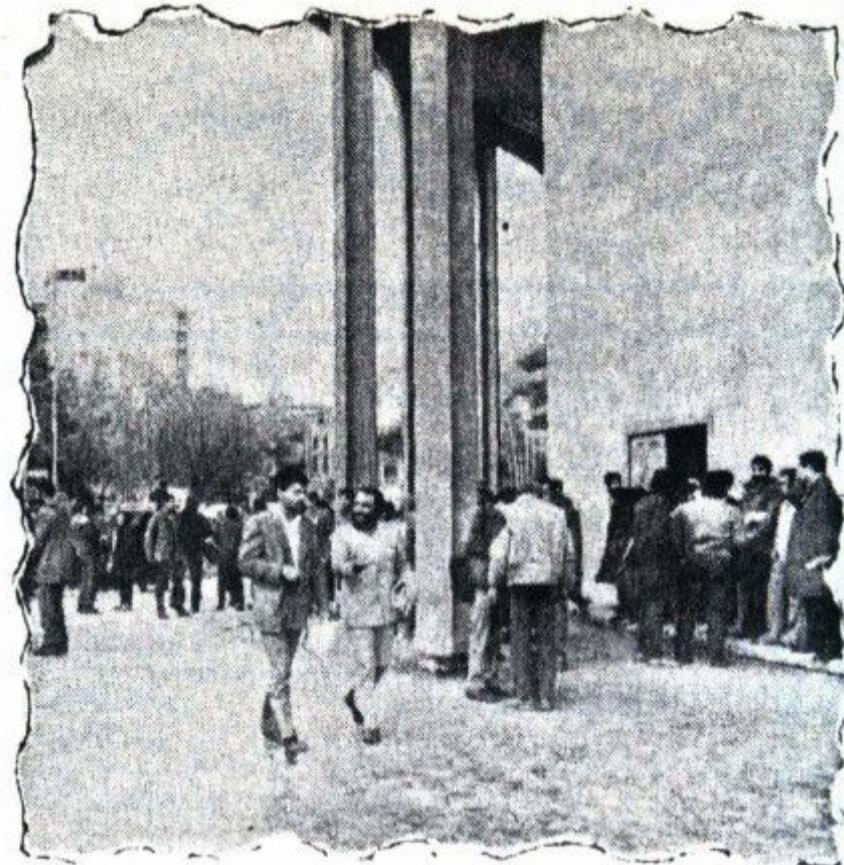


در یکی از سالن‌های تئاتری نمایش کمالت‌آور و خسته
کننده‌ای با تعداد زیادی بازیگر به اجرا گذاشته شده بود،
در اواسط نمایش، تماشگران یکی یکی و چند تا چند تا سالن
را ترک کردند و آن‌ها یعنی هم که باقی ماندند با هیاهو کردن
و بلند بلند حرف زدن در امر اجرای پیش‌ایجاد اخلال می‌کردند.
در این حال، کارگردان نمایش به روی صحنه آمد، نگاه
غضبلودی به معدد تماشگران حاضر در سالن انداخت و
خطاب به آنان گفت:
- کاری نکنید که کلاهمون توی هم بره. هرچو باشه تعداد
ما از شما خیلی بیشتره!
۲ - ح

میان ماه من تا ماه گردون ...!

شنیدم که سرپرست اداره‌یکی از شهرها، بچه
- های گروه تئاتری خود را در سفر به تهران همراهی
کرده و در همه‌جا یا رویا و رآنهاست. در گپی که با
آنها داشتم بچه‌ها چقدر ازا و محبت‌ها یش تعزیف
و تمجید می‌کردند. اینها را که دیدم و شنیدم،
بغض راه‌گلویم را گرفت و گل حسرت بر دلم نشسته
بیادر سرپرست اداره‌یکی دیگرا ز شهرها افتادم که
بچه‌ها یش در طول سه چهار ماه تمرین و اجرا
چشمانشان به درب سالن سفید می‌شود که شاید
یکبار و فقط یکبار سرپرستشان را ببینند که قدم-
رنجه کرده و به دیدن آنها باید. پیش خودم
گفتم:

میان ماه من تا ماه گردون
تفاوت از زمین تا آسمان است
حیبیب



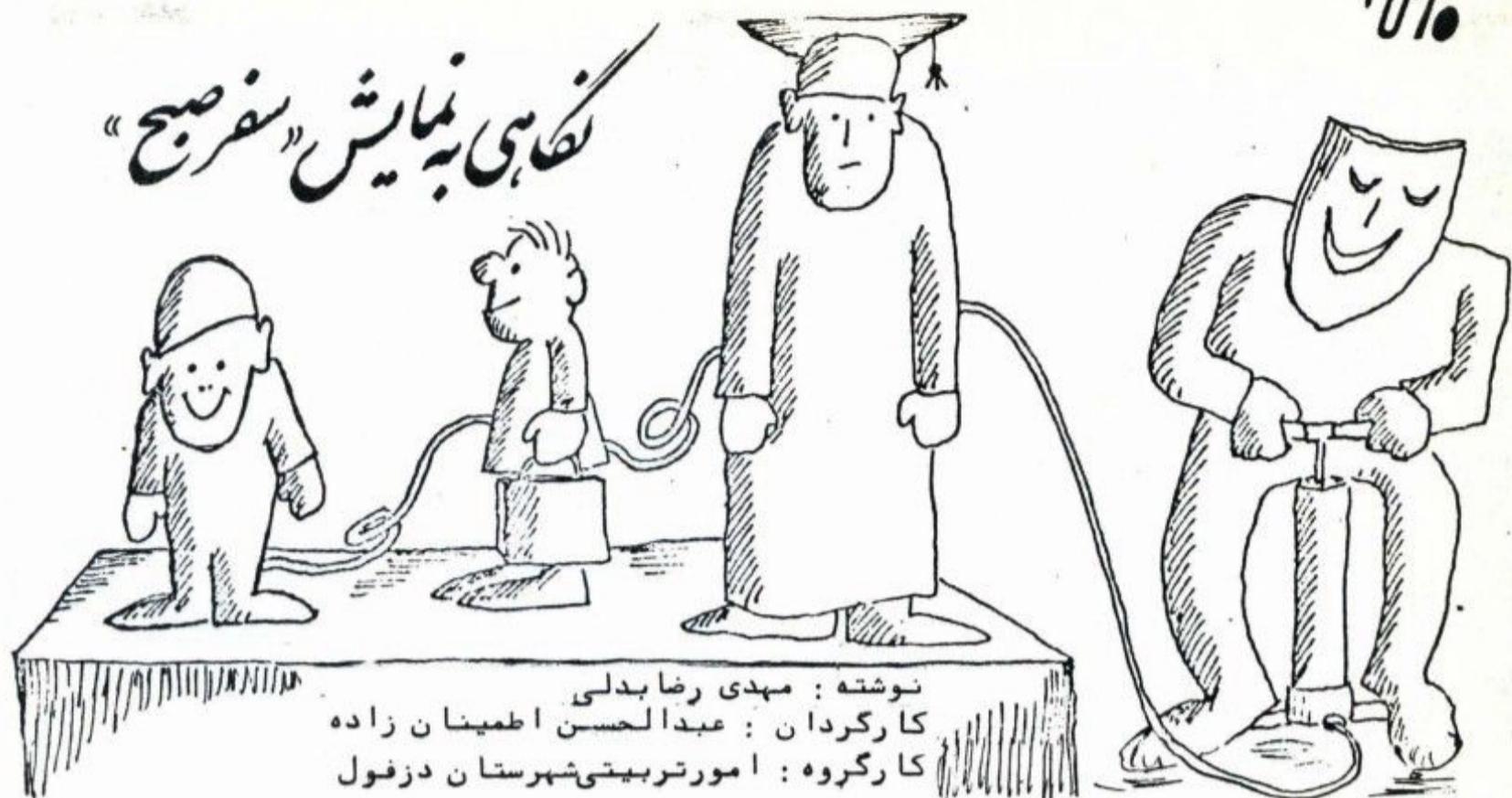
- به ما مربوط نیست شما به امور هماهنگی مراجعه
کنید تا جوابتان را بدیند
- چرا این همه‌کارت دعوت به مردم داده‌اید؟
- به ما مربوط نیست
- آقاش نه رازمادا خل سالن هستند. برای ما ها
نگهداشته‌اند.

- یک جا هم داخل سالن نیست همه‌جا پرشده و عده‌ای
همایستاده‌اند.

- آقا من خبرنگارم کارت مخصوص مرکز را دارم.
- هر کس که می‌خواهد باش
- یعنی چه من باشد مطلب تهیه کنم باشد بروم داخل
سالن
- من تشخیص میدهم که شما نباشد به سالن بروید!!
همه‌هه بیشتر می‌شود. عده‌ای می‌گویند هل بدھید
تا مجبور شوند در را باز کنند و حذاقل امروز تجربه
شود تا از فردا بليط نفروشند. فشارها بيشتر می‌شود
و ترازدی به مرحله‌نها یعنی خود نزدیک می‌شود. کسانی
که چند ساعت زیر سرما مانده اند دست از پادران از تر
و با غرولند راه پله باریک منتهی به سردا به را ترک
می‌کنند در حالی که آمده‌اند تئاتر ببینند.

داخل سالن شلوغ است و سروصدای بچه‌ها برخلاف
ادعای آقای دوره دیده در داشکده بلند و نمایش
ادامه دارد.....
محمد بهرا می

گاهی نمایش "سفر صبح"



نوشته: مهدی رضابدلی
کارگردان: عبدالحسن اطمینان زاده
کارگروه: امور تربیتی شهرستان دزفول

پرداخته‌اند، و نه برای کودکان که بزرگان هم از آن عاجزند، روانشناسی فلسفی و اخلاقی که - بدлی در صحنه سوم درسلولوگ و منلوگ‌های عمومی معمول آورده نشان دهنده این مهم است که وی قصدی فراترازاین حرفها دارد - حتی تحلیلی در مورد شخصیت شیرپیر و دیگر پرسوناژ‌هایی که بنوعی شخصیت‌های خورشیدی متن محسوب می‌شوند جایگاه‌شان از دنیای کودکان فراتر رفته است. موضوع نمایشنا مه در زمینه تاریخ و نه تاریخ - نویس است و فروتنی و تواضع دست یافتن به قله، کوه کوتاهی که احتیاج به مخاطبانی دارد که قابلیت‌های آن را دریابند.

انتخاب این متن برای کودکان و شکل پردازی کودکانه‌اش به تنهایی نمی‌تواند با دنیای کودکان ارتباط برقرار کنده‌تری بزرگان نیز گاه از این اجراء‌چار سردرگمی می‌شوند، که بالاخره نمایش با من حرف میزندیبا با فرزندم بهتراین بودکه بچه‌های خوب دزفول که جدای از ریتم کندوآرام و بعضی لحظه‌های خسته‌کننده توانسته بودند در بعضی از بازیهای توانایی‌های نسبتاً "خوبی را نشان دهند و شکل پردازی و تیپ سازی نمایند، نظرات نویسنده" دزفولی متن را مورد توجه قرار می‌دادند تا اجرای خوبشان موثر تر می‌افتد.

متن سفر صبح یک متن کودکانه نیست و نویسنده آن را برای کودکان ننوشته است. این اشتباهی بودکه هم هیئت‌گزینش و تقسیم بنده مبتنی در بخش‌های مختلف وهم کارگردان به عنوان خط دهنده و مشخص‌کننده جهت کلی اجرا، دچار آن شدند. جمله‌های ادبیانه، تمثیلی، واستعاره‌های اخلاقی، روانشناسی، تعبیرهای فلسفی و عرفانی و نیز ادبیات شعروواره که در سراسر متن عرض اندام می‌کند، حکایت از متنی دارد که نویسنده اش دل به سودای دیگری دارد. "اصولاً" بچه را نمی‌شود با منطق کلام که در برخورد باز و خارپشت‌های فراوان وجود دارد به یک نتیجه مورد دلخواه رساند، بخصوص که جایگاه این منطق بالا است. (باز : مانعی گوئیم به نود درصد توجه نکنید، می‌گوئیم که بداند از همه ۱۰۰ صدرصد توجه نکنید کسانی که به صد نو دیک اند از توجه می‌کنند نورا زیاد می‌کنند و صدراکم .) وازاين قبيل بسیار، که فکر می‌کنم ذکر همه آنها لازم نمی‌باشد، این عرفان که هر کس به قله، کوه کوتاهی رسیده هفت برگ از هفت گل بی رنگ آن جا را بخورد چگونه می‌شود به بجه تفہیم نمود، اصلاً "قله، کوه کوتاهی" بحثی است که عرفان و سالکان چه بازبان طنز و چه بازبانی جد چه در تمثیل و چه در حالت واقع کرایانه به آن

امروز میهمان دیگری داشتیم...

وعلقه وشوق دیدن تئاتر قبول کردم ، که آمدیم
اینجا ... دو بجهه دیگرم پایین منتظرند .
عجیب است وبا ورنکردنی ... تماشاجی آنهم با
این عشق وعلقه ! که از باختران بیاید برای
دیدن نمایش ، جالب است وقابل تقدیر ...
امیدوارمیشوم به کار روراهمان ... خستگی کار از
تنمان زدوده میشود .

... مگه در باختران نمایش نشان نمی دهند ؟
چرا . خیلی کم ، سالی یکی دوبار استقبال
هم خیلی خوب است ، همه کارهای آنجاراهم
میبینم با بجههها ...

اور ابهنه نشستن دعوت میکنیم ... موضوع حالا
برای عان خیلی جالب شده و عمق پیدا کرده ...
خوب است چیه عموجان ؟ رضاسعادت ، کلاس
پنجم ها ساله خیلی تئاتر و دوست دارم ، -
همیشه تو خونه با دختر خاله و پسرعموها م تئاتر
بازی میکنیم یه بارهم توی مدرسه نقش پادشاه
را بازی کردم .

... مادرش ادا مه میدهد : یه بجهه دیگه دارم ،
سمسالش ... استعداد عجیبی داره ، تمام نوار
قصه های را که شنیده بازی میکنه و اداشون را
عینا " درمی آره ...
اصلًا" این بجهه های من انگاری این تئاتر رفته
تو خونشون ... یا توجونشونه ... یه چیزیشون
میشه ...

شما خودتون هم به تئاتر علاقه دارید : بله خیلی
زیاد ، منتها گرفتا ریهای زندگی کمتر اجازه
می دن .

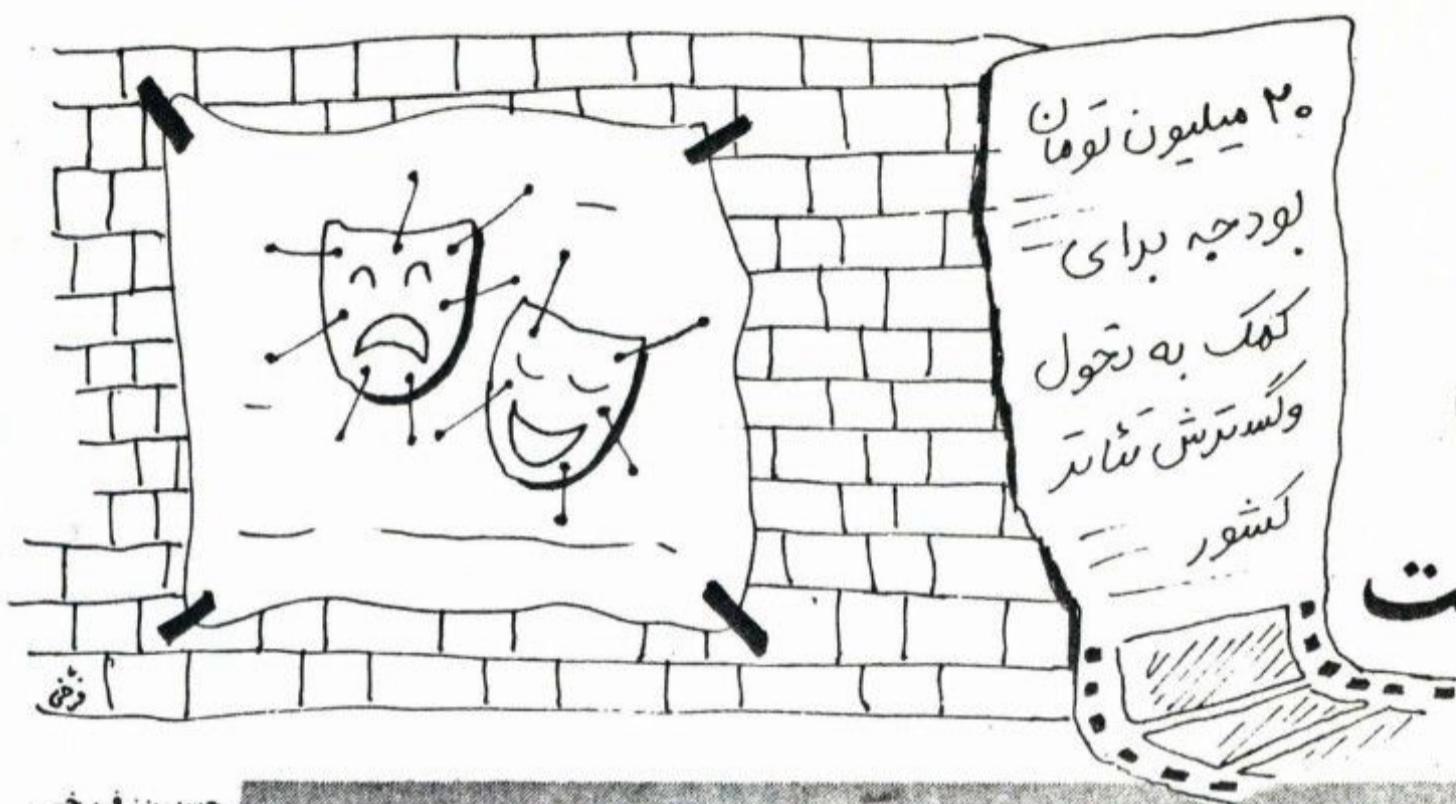
در قبال اینهمه علاقمندی چند بله تئاتر
افتخاری به ایشان و بجهه های علاقمندان که
طبعا " رهروان آینده " راهمان هستند هدیه
میکنیم و خدا حافظی ... بعذازکلی تشکر و تقدیر
راستی آقا بخشیداگه ممکنه درس سالن را -
بنویسید . آخه مانمی دونیم . بر تکه کاغذی
مینویسم : تالار هنر ... پل ع جنوبی استادیوم
امجدیه ...
اردشیر صالح پور

... در دفتر خبرنا مه نشسته ام و مشغول ادبیت و
چک کردن مطالب ، سرم را بلند میکنم صدای
خانمی است با پسر بجهه ای در کنارش : ببخشید
مسئول هماهنگی هستند ؟

نه خیر الان بر می گردند ، اگه کاری دارید میتوانید
صبر کنید تا ایشون بیان ...
... راستش آقا ما از کرمانشاه او مدیم برای
دیدن برنا مههای تئاتر جشنواره ...
از حرکت می مانم . حتما " اغراق می کنه . مگر
چنین چیزی ممکن است یک خانم تنها با بجهه -
ها بیش .

... آره . آخه بجهه های من خیلی به تئاتر علاقه
دارند ، نمی دونید وقتی در تلویزیون این آرم
برنا مه تئاتر را می بینند و دوا این ساختمان
گرده " تئاتر " منظور شنای بیرونی تئاتر شهر
است) ذا رم برنامه جنگ هنر چه ذوقی میکند ،
برا ایشان آرزو شده که یه روزی تئاتری در اونجا
ببینند . خلاصه دل به دریا زدیم و رفتم مدرسه با
مدیر شان صحبت کردم ، گفتم به بجهه ها مرخصی
نده همیخواهم ببرم شان تهران برای دیدن
نمایش ، آخه خیلی به تئاتر علاقه مندند ، مدیر
قبول کرد و گفت میتوانستی این حرف رانگی و
اونارو ببری و بعد برگه " جعلی پزشکی بیاری
بیهشون گفتم من حقیقتش را گفتم . ادامه
میدهد

کم کم دارد باور مان میشود ، صداقت در حرکات
و کلامش موج میزند ... چطوری اینجا رو پیادا
کردید ؟ والله از صبح حرکت کردیم ، یه
تاكسي گیر آوردیم در بست ، با بجههها ، گفت
چقدر کرايه می دید گفتم ۷۰ تومان ... راننده
تاكسي گفت ۵۰ تومان کم گفتی . بخاطر بجهه ها



یه دونه "کامرا من" و یه "منشی صحنه
ویدونه " مدیر تولید " تمومه ...
من که سراز حرفهاش در نیا ورد بودم گفتم :
خوب ، بعد ...

گفت : میدونی ، همچین که یه بار " سوپر "
کنی توی سینما دیگه " کات " کردن
فراموشت میشه ، منظورم اینه که
اوپاوع " کیشه " خیلی باحاله .

گفتم : یعنی می خوای بگی ...
گفت : آره پسر حون ، آخه تئاتر هم شد کار !؟
گفت : پس اهل کار نیستی ها ؟

گفت : الان که دارم " لوکیشن " می بینم و اسه
یه پروژه بلند . قراره یه کار " ساپیز و داد "
رو " کلید " بزنم ، حالابینیم چی میشه .
سرش را پیائین انداخت و بدون خدا حافظی راه
افتداد ، من همینطور گیج و مات مانده بودم که
دیدم برگشت و ...

گفت : شنیدم بلیط های تئاتر گرون شده ، ها ؟
گفتم : آره ، چند وقتی میشه ، چطور مگه !؟

گفت : هیچی حالابینیم چی میشه ...

گفتم : چی ، چی میشه

گفت : شایدیه " فلاش بک " به تئاتر زدم .

گفتم : یه متن دارم می آیی کار کنی ؟

گفت : کی : من ؟

گفتم : آره تو . مگه اشکالی داره !؟

گفت : خب ، میدونی ، اشکال که نداره ... ولی
ولی ...

گفتم : ولی جی ...

گفت : میدونی که من " فیداین " کردم توی
فیلم و بعید میدونم حالا حالا بتونم
" فیداوت " کنم ...

گفتم : جی جی او ت ؟ ..

گفت : منظورم اینه که " بک راند " سینما بهتره .

گفتم : چک طور مگه ... ؟

گفت : چهارتا " پلان " می گیری و میری پشت میز
" موویلا " یه " مج کات " می زنی و بعد شم
چهارتا " ریواند " می کنی و دو تا چسب
" اسپلایسر " می زنی تورگ و تمام ...

گفتم : نمی فهمم ، جی جی تمام ...

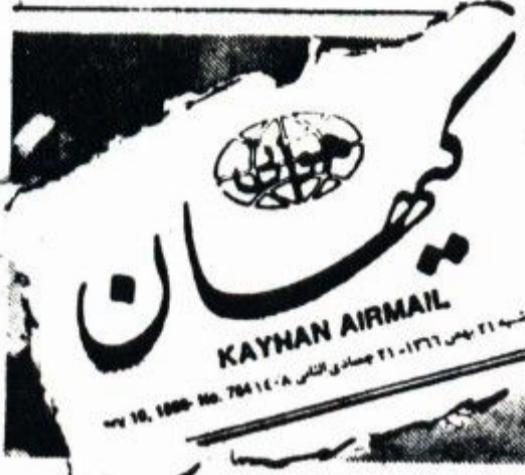
گفت : توهم مثل اینکه حسابی عقلت " فلو "
شده ...

گفتم : فلو شده ، عقل من ؟

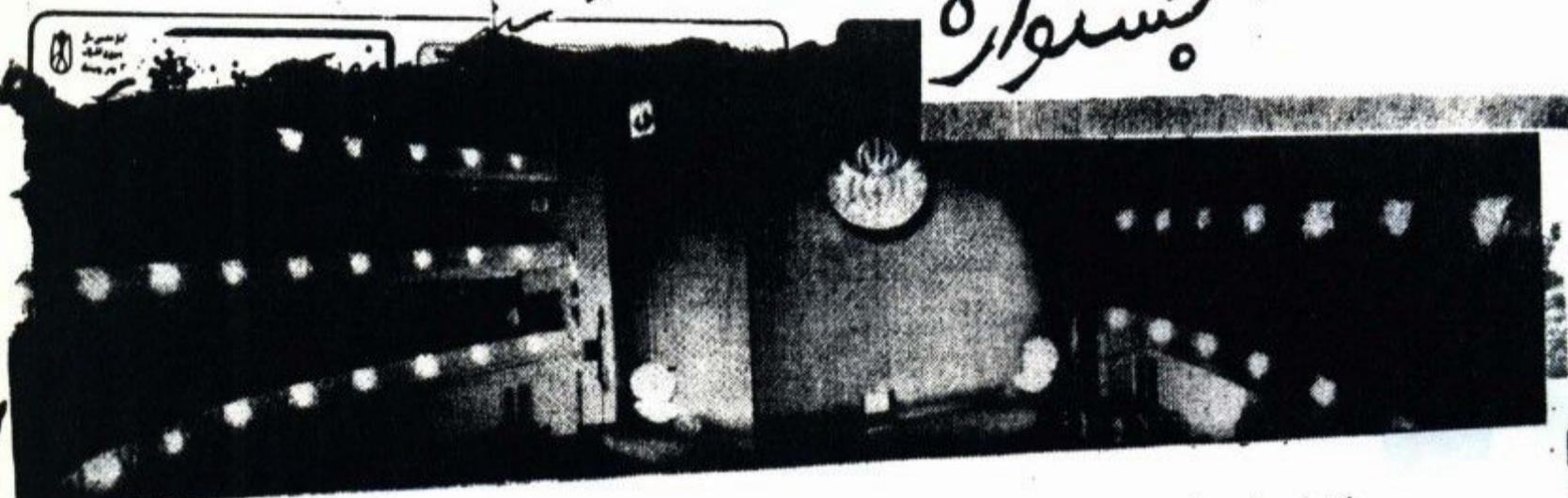
گفت : آره ، خب مر حسابی ، این همه سوزه ،
کافیه دو تا آرتیست خوب داشته باشی و

نقلا ۲۲ بهمن

تالارها و سالن‌های
تئاتر فجر
در
جایی برگزاری
جشنواره تئاتر
ملوک
تماشاگر است
صفحات ۲۰ و ۲۱

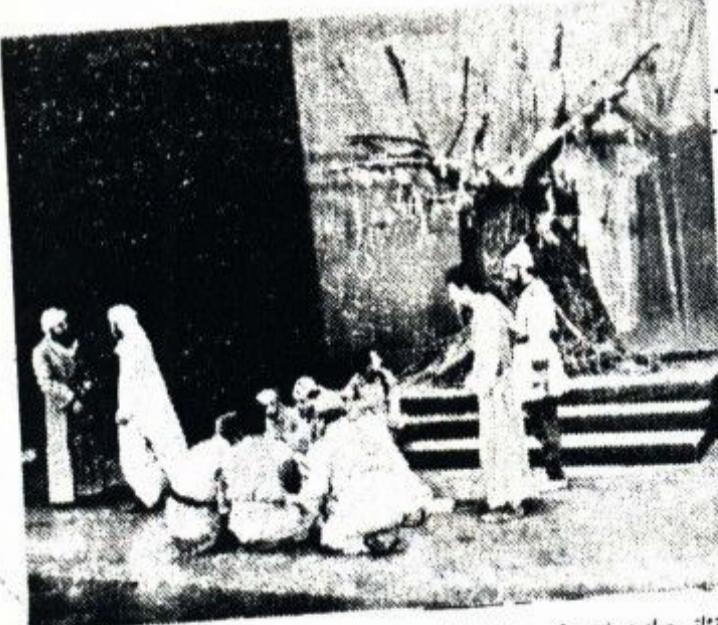


چهلمین



فرهانگی و جهانگیر زمانی، سرود «به یاد رفیقان و شهدان» را نیز بهمن ریاحی ساخته، محمود گلشن آن را تنظیم کرده و شعر آن از حافظ است.

در خاتمه این مراسم نمایش «دلبران» در بخش ویژه ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر نوشته رضا صابری و به کارگردانی رضا سعیدی از فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد اجرا شد. فضای نمایش قوه‌خانه‌ای متروک است که در آن قاجاق تریاک صورت می‌گیرد نمایش فاقد زمان معینی است.



تئاتر «راز درخت مقدس» از سازمان زندان‌های مشهد. این نمایش در بخش مسابقه ششمین جشنواره تئاتر فجر به اجرا درآمد

جشنواره‌های تئاتر و سرود فجر

ششمین جشنواره تئاتر و سومین جشنواره سرود فجر در نخستین روز از دهه فجر با حضور وزیر ارشاد اسلامی و دیگر مسئولان فرهنگی در تالار وحدت گشایش یافت.

در این مراسم پس از تلاوت آیات از قرآن مجید سرود «ستارید» توسط گروه کارکتر سمعونیک مرکز سرود و آهنگ‌های انقلابی اجرا شد. شعر این سرود از مولانا و آهنگ‌ساز بهمن ریاحی و تکخوان، آن اسفندیار فرهانگی است.

در ادامه برنامه، معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (کمال حاج سید جوادی) گزارشی از سومین جشنواره سرود و ششمین جشنواره تئاتر ارائه داد و سپس عبدالکریم سروش در پیغامون هنر و هنرمند سخانی ایجاد کرد. وی در بخشی از سخنان خود گفت: هنرمند به جای غوطه‌ورشدن در کار باید به خود بسپردازد زیرا این «خود»، یکران را تیز به «خود» می‌آورد. از جمله آفاتی که ادمیان را تهدید می‌کند، تحسین طلبی و فروختن متع خویش به دیگران و به دنبال جذب مشتری بیشتر بودن است. این به خودی خود عیب نیست اما اگر تنها هدف باشد همان طور که گفته شد، مغرب خواهد بود. هدف هنرمند شناساندن انسان‌ها به یکدیگر است نه شناسانی خود به مخاطبین و در این راه هنرمند باید تئویری انسان‌شناسی نیز داشته باشد.

در ادامه دو سرود «معجزه بهمن» و «به یاد رفیقان و شهدان» اجرا شد.

شعر سرود «معجزه بهمن» از محمود شاهرخی، آهنگ‌ساز آن امیر هوشنج راسخ دین است و تکخوان‌های آن عبارتند از اسفندیار

خبرنامه شماره ۹
ششمین جشنواره سراسری تئاتر فجر
۱۳۶۶ بهمن ماه ۲۲ تا ۱۲

به کوشش : ناصر بزرگمهر
ویراستار : محمد وجدانی
طراح و صفحه آرا : انوشیروان میرزائی کوچکسرایی
تاپ مطالب : پرویز میرزا حسینی - رخشی غربا - زهرا زنگنه
عکس : پرویز خیرخواه - سعیدنیک نژاد
تکثیر : حسین یوسفی کیا

با مطالبی از : محمد بهرامی - محمد رضا حسن بیگی - نصرالله
 قادری - حسین فرخی - هوشنگ هیهاوند -
داود کیانیان - اردشیر صالح پور
سایر همکاران : طیبه محمودی - مریم کباریان - آذر عباس زاده
ناذر خاکشی ندا - مرتضی مهاجر - محمد مختاری .

۲۲-۱۲ بهمن ۶۶

سینما

تیغ خبر
شنبه های سینما

